

ارزیابی میزان اثرپذیری کتاب اللثالی المصنوعة از میزان الاعتدال در وضع شناسی حدیث (مطالعه ابواب فضائل انبیاء (ع)، فضائل اهل بیت (ع) و فضائل خلفاء)

چکیده

وضع حدیث آسیب جدی برای تشخیص روایت صحیح است، بنابراین پالایش احادیث موضوعه از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا این احادیث می‌توانند اثرات منفی بر بدنه اعتقادات و رفتارهای دینی و اجتماعی مسلمین داشته باشند و نیز شناخت احادیث موضوعه تأثیر بسزایی در حفظ اصالت متون روایی دارد. کتاب اللثالی المصنوعة جلال‌الدین سیوطی یکی از مهم‌ترین آثار در حوزه نقد احادیث موضوعه است که باهدف اصلاح و نقد آرای ابن جوزی در کتاب الموضوعات تدوین شده است. بررسی سندی و مراجعه به مصادر رجالی یکی از طرق بررسی احادیث موضوعه و تفکیک آن از احادیث دیگر است. سیوطی بیش از هر مصدر رجالی از نظرات ذهبی در کتاب میزان الاعتدال بر وضع شناسی حدیث وام گرفته است. با توجه به اینکه ذهبی رویکرد سخت گیرانه‌ای نسبت به احادیث موضوعه دارد و هدف سیوطی تضییق دایره وضع احادیث کتاب الموضوعات است، میزان اثرپذیری سیوطی از ذهبی در تضییق دایره وضع یکی از نکات قابل تأمل پژوهشی است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی انجام شده است. ابتدا روش سیوطی در این اثر استخراج و سپس میزان اثرپذیری وی از ذهبی در سه باب فضائل انبیاء (ع)، فضائل اهل بیت (ع) و فضائل خلفا تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سیوطی به‌طور گسترده از نظرات ذهبی در کتاب میزان الاعتدال در تشخیص احادیث موضوعه بهره‌برده و در بسیاری از موارد، دیدگاه‌های وی را در جرح و تعدیل راویان پذیرفته است، هرچند در برخی موارد اختلاف نظرهایی وجود دارد. اثرپذیری سیوطی از ذهبی در ابعاد مختلفی از جمله تقلیل و تعدیل راویان مجروح، تأیید نظر ابن جوزی در موضوع دانستن روایت و... صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اللثالی المصنوعة، سیوطی، میزان الاعتدال، ذهبی، وضع شناسی حدیث.

۱ طرح مسئله

کتاب اللثالی المصنوعة اثر جلال‌الدین سیوطی، یکی از مهم‌ترین آثار در حوزه علم حدیث و نقد روایات در میان اهل سنت است. این کتاب به بررسی و شناسایی احادیث ضعیف و جعلی پرداخته و هدف اصلی آن، نقد و تحلیل روایاتی است که به پیامبر اسلام (ص) نسبت داده شده‌اند. سیوطی این اثر را بر پایه کتاب الموضوعات ابن جوزی تألیف نموده است. هدف اصلی وی در نوشتن این کتاب، تعیین دایره وضع روایات است (سیوطی، ۱۳۹۵، ۲/۱). سیوطی برای این مهم از مصادر رجالی اصیل چون الضعفاء و المتروکین، الضعفاء الکبیر، الکامل فی ضعف الرجال و.... بهره‌برده است. در میان مصادر رجالی کتاب میزان الاعتدال فی نقد الرجال تألیف شمس‌الدین ذهبی به‌عنوان یک مصدر تأثیرگذار بر نظرات سیوطی در وضع شناسی حدیث مطرح است. اما تا چه میزان نظرات ذهبی بر وضع شناسی سیوطی اثرگذار بوده است؟ و تا چه میزان وضع شناسی سیوطی باتکیه بر نظرات ذهبی همسو با آرای

دیگر علماء رجالی بوده است؟ در این نوشتار ابتدا به روش‌شناسی سیوطی برای تألیف این اثر پرداخته شده است و سپس به صورت موردی در ابواب فضائل انبیاء (ع)، فضائل اهل بیت (ع) و فضائل خلفاء موارد اثرپذیری سیوطی از ذهبی استخراج شده و در انتها به تحلیل نظرات سیوطی و میزان اثرپذیری وی از ذهبی در وضع‌شناسی حدیث پرداخته می‌شود.

۲ پیشینه تحقیق

پیرامون کتب الموضوعات و اللئالی المصنوعه نگاهی به رشته تحریر در آمده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد: مقاله سبک‌شناسی سیوطی در «اللئالی المصنوعه» نوشته علی بهرامی، در این نوشتار به سبک‌شناسی سیوطی در این کتاب پرداخته شده است و تعصب وی در وضع‌شناسی احادیث مورد تحلیل و نقد قرار گرفته است. در این زمینه به مقاله دیگری با نام مقایسه اجمالی کتاب الموضوعات با اللئالی المصنوعه سیوطی (در نقد احادیث مناقب امام علی - ع -) نوشته مجید فلاح‌پور، می‌توان اشاره نمود. نویسنده در این مقاله به مقایسه اجمالی این دو کتاب و انگیزه تألیف آن‌ها پرداخته است. مقاله دیگر در این باره نقد رویکرد ذهبی در میزان الاعتدال نوشته حسین موسوی است، مؤلف مقاله به بررسی میزان التزام ذهبی در این کتاب به معیارهای جرح و تعدیل می‌پردازد. شایان ذکر است هیچ کدام از این نگاشته‌ها در رابطه با میزان اثرپذیری سیوطی از میزان الاعتدال در وضع‌شناسی حدیث نیست؛ لذا نوشتار حاضر بر آن است تا ضمن بررسی روایات کتاب اللئالی المصنوعه در سه باب فضائل انبیاء (ع)، فضائل اهل بیت (ع) و فضائل خلفاء و استخراج روش سیوطی در وضع‌شناسی میزان اثرپذیری وی از نظرات ذهبی مورد تحلیل و نقد قرار دهد.

۳ شخصیت علمی سیوطی

جلال‌الدین عبدالرحمن بن کمال‌الدین ابی‌بکر بن محمد سیوطی سال ۸۴۱ ق، در قاهره، از خانواده‌ای با اصالت عجمی به دنیا آمد (سیوطی، ۱۴۲۳، ۵۷؛ خورشید، بی تا: ۲۷/۱۳). وی در اکثر شاخه‌های علوم اسلامی مانند فقه، حدیث، تفسیر، علوم قرآن، بلاغت، نحو، لغت و تاریخ جزء ممتازین عصر خود است که در این زمینه از اساتید بسیاری بهره برده است که تعداد ایشان تا ششصد تن ذکر شده است (سیوطی، ۱۴۲۳، ۴۱-۴۲) و جزء ممتازین عصر خود شد. از میان علوم اسلامی تبحر این عالم شافعی مذهب در حدیث چنان است که وی را از جمله جامع نگاران و محدثان بزرگ اهل سنت بر می‌شمارند. سیوطی، از عالمان پر تألیف اهل سنت به شمار می‌آید لذا در میان دانشمندان مسلمان ملقب به (ابن الکتب) می‌باشد (زرکلی، ۳، ۳۰۱/۱۹۹۰). در حوزه علوم حدیث، کتاب‌های مهمی از وی منتشر شده که بیشتر در زمینه‌های شرح کتب حدیثی، مصطلح الحدیث و تألیفات مستقل حدیثی اند. از مهم‌ترین آثار حدیثی می‌توان به الجامع الکبیر، المختصر الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، تدریب الراوی فی تقریب الراوی، اللئالی المصنوعه فی الأخبار الموضوعه؛ أسباب ورود الحدیث اشاره نمود. س وی سرانجام در سال ۹۱۱ ه. ق درگذشت و در مصر به خاک سپرده شد.

۴ معرفی کتاب اللئالی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه

پیش از بررسی کتاب اللئالی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه و مبانی موجود در آن، بایستی این کتاب به صورت کلی معرفی گردد. از این رو این کتاب از چند نظر مورد بررسی قرار می گیرد.

۴,۱ ساختار کتاب

این کتاب اثری دوجلدی به زبان عربی، پیرامون احادیث ساختگی و جعلی است که بر پایه الموضوعات ابن جوزی (م ۵۹۷) تألیف شده است. این کتاب توسط شخص خاصی تحقیق نشده و با مقدمه خود سیوطی آغاز می شود. عناوین مجلدات با نام کتاب تدوین شده است. در جلد اول ۸ کتاب با عناوین: ۱- کتاب التوحید ۲- کتاب الایمان ۳- کتاب المبتداء ۴- کتاب الانبیاء والقدماء ۵- کتاب العلم ۶- باب فضائل القرآن ۷- کتاب السنه ۸- کتاب المناقب. در جلد دوم این اثر ۲۰ عنوان مشاهده می شود که در ادامه به آن ها اشاره می گردد: ۱- کتاب الطهاره ۲- کتاب الصلاه ۳- باب الصدقات ۴- کتاب الصیام ۵- کتاب الحج ۶- کتاب الجهاد ۷- کتاب المعاملات ۸- کتاب النکاح ۹- کتاب الاحکام والحدود ۱۰- کتاب الاطعمه ۱۱- کتاب اللباس ۱۲- کتاب الادب و الزهد ۱۳- کتاب الذکر و الدعاء ۱۴- کتاب المواعظ و الوصایا ۱۵- کتاب الفتن ۱۶- کتاب المرض و الطب ۱۷- کتاب الموت و القبور ۱۸- کتاب المواث ۱۹- کتاب البعث ۲۰- فواید متفرقه.

۴,۲ انگیزه تألیف

مؤلف این کتاب را به انگیزه تضییق دایره تشخیص وضع احادیثی که ابن جوزی در کتاب الموضوعات جمع نموده، تألیف کرده است. همان طور که در مقدمه کتاب متذکر شده: «یکی از امور مهم شناساندن احادیث جعلی در دین است. درباره همین موضوع ابوالفرج ابن جوزی کتابی جمع کرده و در آن بسیاری از احادیث ضعیف که به حدّ وضع نرسیده و بلکه احادیثی را که حسن و صحیح است به عنوان حدیث ساختگی آورده است. مدتی بود که به ذهنم خطور کرده بود که آن کتاب را پاک سازی و انتقاد و تلخیص کنم تا مورد استفاده علاقه مندان قرار گیرد تا آنکه از خدای متعال خیر طلبیدم و او سینه ام را برای آن گشاده ساخت و وسایل راه را برایم فراهم کرد.» (سیوطی، ۱۳۹۵، ۲/۱) بنابراین می توان گفت سیوطی این کتاب را با سه هدف تألیف نموده است:

۱- پاک سازی کتاب الموضوعات ابن جوزی

۲- نقد کتاب الموضوعات

۳- تلخیص کتاب الموضوعات.

۴,۳ ویژگی های کتاب

وجه تمایز و نوآوری کتاب اللثالی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه نسبت به اثر ابن جوزی بازبینی احادیث موضوعه باتوجه به همان منبع استنادی الموضوعات است. برخی از منابعی که ابن جوزی از آنها نقل حدیث نموده عبارت است از؛ تاریخ خطیب بغدادی، مستدرک حاکم نیشابوری، و کامل ابن عدی، الضعفاء الکبیر عقیلی، افراد دارقطنی و حلیه ابی نعیم و... کتاب سیوطی ویرایش جدیدی از الموضوعات به همراه پاکسازی محتوای آن اثر است.

۵ روش شناسی سیوطی در اللثالی المصنوعة

با بررسی متن کتاب اللثالی المصنوعة، مشخص می گردد که سیوطی از روش های ذیل در تألیف کتاب بهره برده است که در ادامه به آنها اشاره می گردد.

۵,۱ ذکر روایت با سند کامل

وی روایات را براساس متن الموضوعات همراه با اسانید آنها با افعالی مانند: انبأنا، حدثنا و حدثنی، اخبرنا و با ذکر نام فردی که حدیث را از او می خواهد نقل کند ذکر می کند. سپس کلام مؤلف الموضوعات را در مورد آن روایت می آورد و در صورت نقد به آن کلام خود را با عبارت «قلت» آغاز نموده و با تعبیر «والله اعلم» به پایان می رساند. سیوطی ذیل کتاب التوحید روایتی را با سند و به صورت مرفوع از پیامبر (ص) نقل می کند که در شب معراج دو رکعت نماز بر سر مزار ابراهیم (ع)، بیت اللحم محل تولد عیسی (ع) و بیت المقدس خواند و سپس عروج نمود. از ابن حبان نقل می کند که بکر بن زیاد الباهلی دجال و جاعل حدیث است و با عبارت قلت نظر ذهبی را در تایید ابن حبان می آورد. سپس از حافظ ابن حجر در لسان المیزان درباره ی این حدیث نقل می کند: "بخش جعلی حدیث از جمله ی «ثم أتى بي إلى الصخرة...» به بعد است اما سایر بخش های آن از طرق دیگری نیز نقل شده است، و تحلیل را با عبارت والله أعلم به پایان می رساند (سیوطی، ۱۳۹۵، ۱۳/۱).

۵,۲ توجه به طرق مختلف روایی

اگر روایت غیر از سند مذکور، از طرق دیگری نقل شده باشد که رجال آن طرق، متهم به وضع نیستند. سیوطی آنها را نیز نقل کرده و نظر خود را در مورد آنها بیان می کند. برای نمونه در کتاب در کتاب العلم ذیل عنوان استغفار ملائکه برای کسی که نام پیامبر را در دفترش بنویسد ابن جوزی در سندی که ذکر کرده یزید بن عیاض را متهم به وضع می داند (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۱۶۴/۱). سیوطی از قول خطیب بغدادی طریق دیگری برای روایت نقل می کند که رجال آن متهم به وضع حدیث نیستند. چرا که پس از ذکر این طریق سخنی مبنی بر جرح روات آن به میان نمی آید (سیوطی، ۱۳۹۵، ۲۰۴/۱).

۵,۳ استفاده از منابع اصیل رجالی

مؤلف کتاب اللئالی المصنوعه برای وضع شناسی حدیث از منابع اصیل و پر ارجاع رجالی مانند الضعفاء و المتروکین، الضعفاء الکبیر، الکامل فی ضعف الرجال و سایر مصادر رجالی بهره برده است که برای نمونه به مواردی اشاره می‌گردد. سیوطی ذیل روایتی که چهار شهر از شهرهای بهشتی و چهار شهر از شهرهای جهنمی را در دنیا معرفی می‌نماید با استفاده از کتاب الکامل فی ضعف الرجال تألیف ابن عدی روایت را موضوع دانسته است (سیوطی، ۱۳۹۵، ۴۳۵/۱).

۵،۴ ذکر نظرات محدثان پیشین در تأیید نظر ابن جوزی

سیوطی گاهی اوقات با ذکر نظرات اندیشمندان حدیثی پیش از خود نظرات ابن جوزی را تأیید نموده است که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد. ابن جوزی در جلد دوم الموضوعات ذیل کتاب الطهاره در قسمت شستن ظروف روایتی را از پیامبر (ص) نقل می‌کند که شستن ظروف و چوب موجب ثروت می‌شود و با استناد به نظر خطیب بغدادی زهری را آفت وضع حدیث می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۵/۲) سیوطی هم به هنگام بررسی این روایت با استناد به گفته ذهبی این نظر را تأیید می‌کند (سیوطی، ۱۳۹۵، ۴/۲).

۵،۵ ذکر نظرات محدثان پیشین در تأیید نظر خود

سیوطی در باب فضیلت سرزمین حبشه به بررسی یک حدیث در مورد گفتگو بین یک مرد حبشی و پیامبر اسلام (ص) می‌پردازد. در این حدیث، مرد حبشی از پیامبر (ص) سؤال می‌کند که اگر ایمان و عملش به‌سان پیامبر باشد؛ مانند پیامبر به بهشت خواهد رفت یا خیر؟ پیامبر (ص) پاسخ می‌دهد که بله او هم به بهشت خواهد رفت و به او پاداشی داده خواهد شد که با ذکر "سبحان الله وبحمده" مایه‌ی حسنه‌ها و ثواب خواهد شد. سپس در ادامه حدیث آمده است که مرد حبشی در سؤالی می‌پرسد که چگونه ممکن است انسان در روز قیامت باوجود اعمالش هلاک شود؟ پیامبر پاسخ می‌دهد که گاهی انسان‌ها در روز قیامت با اعمالی می‌آیند که اگر بر کوهی قرار داده شوند، آن کوه از سنگینی آنها به زیر می‌آید، اما در نهایت رحمت خداوند به کمک انسان‌ها می‌آید سیوطی ایوب بن عتبّه را متهم به کذب نمی‌داند و برای تأیید نظر خود به احمد بن حنبل و احمد بن عبدالله عجلّی تمسک نموده است. (سیوطی، ۱۳۹۵، ۴۴۶/۱).

۵،۶ ذکر نظرات محدثان دیگر در رد قول ابن جوزی

با بررسی روش تألیف کتاب اللئالی المصنوعه مشخص می‌گردد سیوطی راویان حدیث و سلسله رجال سند حدیثی را که ابن جوزی تضعیف کرده و متهم به وضع نموده است، مورد مطالعه کامل تر قرار می‌دهد و در مقابل اظهارات ابن جوزی، اقوال محدثان دیگر را ذکر می‌کند که نظر مخالف داشته و راوی یا راویان آن حدیث را توثیق کرده‌اند. برای نمونه در کتاب الموضوعات در باب صدقه روایتی مربوط به رد سائل از پیامبر (ص) آمده است که اگر درخواست سائل از روی صداقت باشد کسی که او را رد کرده است رستگار نمی‌شود. در این روایت

فردی به عنوان عبدالاعلی بن حسین بن ذکوان آفت وضع شناخته شده است (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۷۴/۲) اما سیوطی با استناد به قول ابن حبان در کتاب الثقات این فرد را ثقه می‌داند و از آنجا که آفتی دیگر برای وضع روایت معرفی نمی‌کند روایت را از موضوع بودن خارج می‌کند (سیوطی، ۱۳۹۵، ۷۴/۲).

۵،۷ ذکر شواهد متنی یا سندی از جوامع حدیثی مورد اعتماد اهل سنت در رد موضوع بودن حدیث

در برخی از موارد نیز سیوطی با نقل شاهد متنی و سندی آن حدیث از دیگر منابع و جوامع حدیثی مورد اعتماد اهل سنت، مانند کتب شش گانه نشان می‌دهد که نظر ابن جوزی برای موضوع بودن حدیث دچار خطا است. برای نمونه می‌توان به روایتی که در بخش کتمان مریضی از پیامبر (ص) نقل شده است اشاره نمود. سیوطی برای صحیح بودن این روایت به شواهدی از کتب الحلیه الاولیاء تألیف ابو نعیم اصفهانی و مسند الشهاب تألیف محمد بن سلامه قضاعی استناد می‌کند (سیوطی، ۱۳۹۵، ۱۸۳/۲). نمونه دیگر شاهد متنی است که سیوطی از کتب ابوداود سجستانی، بیهقی برای عدم نهی از حجامت در روز سه‌شنبه می‌آورد (سیوطی، ۱۳۹۵، ۴۱۲/۲).

۶ بهره‌گیری سیوطی از منابع رجالی در وضع‌شناسی حدیث در کتاب اللآلی المصنوعه

با مطالعه کتاب اللآلی المصنوعه مشخص می‌گردد، سیوطی در جرح و تعدیل راویان از میان اقوال بزرگان بیش از همه بر نظرات نسائی (م ۳۰۳)، عقیلی (م ۳۲۲)، ابن ابی حاتم (م ۳۲۷)، ابن حبان (م ۳۵۴)، ابن عدی (م ۳۶۵)، خطیب بغدادی (م ۴۶۳) و دارقطنی (م ۳۸۵) وقع می‌نهد که شایسته است پیش از ورود به بحث میزان اثرپذیری سیوطی از ذهبی، در مورد مصادر پرتکرار رجالی کتاب اللآلی المصنوعه توضیح مختصری ارائه می‌گردد:

۶،۱ ابوعبدالرحمن، احمد بن علی بن شعیب نسائی

معروف به امام نسائی محدث شهیر و مؤلف کتاب المجتبی من السنن مشهور به سنن نسائی یکی از سنن اربعه اهل سنت است (ذهبی، ۱۴۱۴، ۱۲۵/۱۴). وی در دانش رجال کتاب الضعفاء والمتروکین را تألیف نموده است. این کتاب مشتمل بر اسامی قریب به هفتصد تن از راویان ضعیف و غیر ثقه است که به اختصار معرفی شده‌اند. محور اصلی در این کتاب جرح و تعدیل روات است.

۶،۲ محمد بن عمرو عقیلی

وی از محدث حرمین شریفین و جزء عالمان بزرگ اهل سنت و مؤلف کتاب الضعفاء الکبیر به شمار می‌آید (ذهبی، ۱۴۲۸، ۳۶/۳). کتاب رجالی وی همواره از مصادر اصلی برای شناخت راویان ضعیف در میان اهل سنت به شمار می‌رود.

۶,۳ عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی

مشهور به ابن ابی حاتم، مفسر، متکلم، فقیه و محدث بنام اسلامی که از اساتید بنام چون پدرش ابو حاتم و ابو زرعه رازی دانش و حدیث آموخت. وی مؤلف کتاب الجرح و التعديل است (ابن حجر، ۱۴۰۶، ۴۳۳/۳) که برای رفع نواقص کتاب «التاریخ الكبير» بخاری است.

۶,۴ محمد بن حبان بن احمد بن حبان

محدث، فقیه شافعی، مورخ و لغوی تمیمی بُستی معروف به ابن حبان (صفدی، ۱۳۸۱، ۳۱۷/۲) و مؤلف کتاب المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین است. این کتاب به شرح حال روایان ضعیف اهل سنت می‌پردازد. ابن حبان در ابتدا کتابی در رجال با عنوان «التاریخ الكبير» نگاشت که محتوای آن مربوط به ثقات و مجروحین بود، اما به دلیل اینکه دست‌یابی و بهره‌برداری از مطالب کتاب را مشکل می‌دید، آن را به دو کتاب الثقات و المجروحین تلخیص کرد.

۶,۵ عبدالله بن عدی بن عبدالله جرجانی

حافظ، ناقد، محدث، رجال‌شناس، فقیه شافعی مذهب معروف به ابن عدی است (حموی، ۱۹۹۵، ۱۷۷/۲). در علم رجال کتاب معروف به نام الكامل فی ضعف الرجال تألیف نموده است. این کتاب دربردارنده شرح حال ضعفاء، مجهولان و هر کسی که درباره ضعفش در میان دانشمندان رجالی سخنی به میان آمده باشد؛ اگرچه آن فرد محل اختلاف نظرات رجالیان است.

۶,۶ احمد بن علی بن ثابت احمد بن مهدی

معروف به خطیب بغدادی (حموی، ۱۹۹۵، ۴۵۰/۲)، دانشمند شافعی، اشعری، محدث، مورخ، خطیب و از مشاهیر ادب اهل سنت، می‌باشد. اثر معروف وی تاریخ بغداد است. این کتاب به تشریح حال عالمان، محدثان و بزرگان بغداد و یا اندیشمندانی که به نوعی با بغداد در ارتباط بوده پرداخته است.

۶,۷ علی بن عمر بن احمد بغدادی دارقطنی

وی از علماء و ادبای شافعی مذهب و متولد شهر دارقطن^۲ است. وی مؤلف یکی از کتب معروف حدیثی اهل سنت به نام سنن الدارقطنی است (صفدی، ۱۳۸۱، ۳۴۸/۲۱). در دانش رجال کتابی با عنوان الضعفاء و المتروکون تألیف نموده است. این کتاب مشتمل بر شرح حال ۶۳۱ راوی است.

۱. شهری در جنوب شرقی افغانستان.

۲. محله‌ای در بغداد.

۶,۸ شمس‌الدین محمد بن احمد ذهبی

شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قیماز ذهبی در سوم ربیع سال ۶۷۳ق در دمشق به دنیا آمد (صفدی، ۱۳۸۱، ۱۶۳/۲). ذهبی اصالتاً اهل ترکمان و از اهالی میافارقین بوده است ذهبی از برجسته‌ترین علمای رجالی و از مشهورترین مورخین و محدثین عصر خویش است، او معاصر ابن تیمیه و شاگرد او بوده گرایش مذهبی وی شافعی وی نویسنده ده‌ها کتاب رجالی و تاریخی است و تخصص عمده او در دانش رجال و جرح و تعدیل راویان و اخباریان و محدثان است. او از هجده سالگی به فراگیری علوم قرآن و حدیث پرداخته و در فن حدیث تبحر داشته و علاقه‌ی زیادی به گردآوری حدیث موجب انجام سفرهای حدیثی وی شده است وی در این سفرها، از بسیاری از بزرگان و علما حدیث شنید و آنها را ضبط نمود و به شهرهای شام، چون بعلبک، حلب، حمص، حماه، طرابلس و نیز مکه، مصر، اسکندریه و بلیس مسافرت نموده است. دانش گسترده ذهبی که از طریق تلمذ و رحلات علمی که باهوش و ذوق سرشار او به‌دست آمده بود از وی منتقدی زبردست ساخته که این ویژگی نقد و تأملات درخشان او در موضوعات مختلف علوم دینی در آثارش رخ نموده است. از وی آثار بسیاری به ماندگار مانده است که از آن میان می‌توان به طبقات القراء، المعجم الکبیر و المعجم الصغیر حدیث، المعین فی طبقات المحدثین، میزان الاعتدال، سیر اعلام النبلاء، تاریخ الاسلام اشاره نمود.

۷ اثرپذیری اللالی المصنوعة از میزان الاعتدال

میزان الاعتدال فی نقد الرجال اثر شمس‌الدین ذهبی از کتاب‌های مهم اهل سنت با موضوع شناخت صحابه، طبقات راویان و شناخت راویان ضعیف به شمار می‌رود. ترتیب محتوای کتاب بر اساس حروف الفبایی تنظیم شده است. ذهبی در این کتاب تنها به ذکر نام و احوال مربوط به روایات از حیث ضعف و جعل و... اکتفا نموده و اقوال دانشمندان هم سو با نظر خویش را ذیل نام راوی جمع‌آوری نموده است. شایان ذکر است؛ در جلد هفتم مؤلف بعد از معرفی راویانی که نامشان با حرف «یاء» شروع می‌شود، مطالبی پیرامون کنیه‌ها، کسانی که با نام پدرشان معروف هستند، انساب، اشخاص مجهول، زنان مجهول، کنیه‌های زنان و کسانی که نامشان برده نشده و به صورت «والده فلان» یاد شده‌اند، پرداخته است. از این میان مصادر اصیل و پر تکرار در کتاب اللالی المصنوعة نام یک منبع رجالی بیش از دیگران مشاهده می‌گردد که میزان اثرگذاری بالایی در تعیین دایره وضع احادیث موضوعه و تشخیص مصادیق آن دارد و سیوطی برای این مهم بسیار به آن ارجاع می‌دهد، کتاب میزان الاعتدال فی نقد الرجال تألیف شمس‌الدین ذهبی است. توضیح اینکه؛ مؤلف کتاب اللالی المصنوعة در برخی از روایات باتکیه بر نظرات ذهبی، حدیث را از موضوع بودن خارج می‌کند و یا وضع حدیث را از ناحیه دیگر تشخیص می‌دهد. نیز در برخی از موارد درباره راویانی که ابن جوزی به عنوان واضع و کذاب ذکر می‌کند، تنها به برخی از آنها اشاره می‌کند و به عبارتی دایره مؤیدات مجعول بودن حدیث را تضییق می‌کند. در ادامه به مواردی در قالب ۴ دسته اشاره می‌گردد که میزان اثرپذیری سیوطی از نظرات ذهبی در وضع‌شناسی حدیث را نشان می‌دهد. ضمن اشاره به این نمونه‌ها، نظرات ذهبی با منابع رجالی قبل از وی مقایسه و در بوته نقد و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲,۱ تقلیل راویان مجروح در روایت

سیوطی با بهره‌گیری از گفته ذہبی از میان راویانی که ابن جوزی در الموضوعات جرح نموده است، تنها برخی را تضعیف نموده است و به این ترتیب راویان مجروح را تقلیل داده است که خود گامی به سوی تضییق دایره موضوع بودن روایات است.

۲,۱,۱ روایت کیفیت مشایعت ملائکه در شب زفاف حضرت فاطمه (س)

ابن جوزی روایتی را نقل می‌کند که در شب زفاف حضرت فاطمه (س) پیامبر (ص) و هفتاد هزار ملائکه از جمله جبرئیل و میکائیل، وی را مشایعت نمودند. از میان راویان، محمد بن رمیح، ابن اخت عبدالرزاق و توبه علوان را جرح نموده است (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۳۱۵/۱).

در مقابل سیوطی تنها یک راوی را تضعیف نموده است (سیوطی، ۱۳۹۵، ۳۹۹/۱). توضیح مطلب اینکه؛ در مورد محمد بن رمیح، خطیب بغدادی به نقل از ابوزرعه و ابی نعیم اصفهانی وی را ضعیف دانسته است. اما سیوطی با این عقیده مخالفت می‌کند و او را ثبت و ثقه می‌داند. و از قول علماء اهل سنت مانند ابو بکر البرقانی، محمد بن عبد الله الحافظ النیسابوری، برای ثقه بودن وی مؤیداتی می‌آورد (بغدادی، ۱۴۱۷، ۲۱۱/۵). ذہبی نیز وی را ثقه می‌داند (ذہبی، بی‌تا، ۱۰۰/۲). علاوه بر آن دارقطنی که جزء شاگردان وی هست نامی از استاد خود در کتاب الضعفاء و المتروکین به میان نیاورده است که قرینه‌ای بر توثیق این راوی می‌باشد. در باره ابن اخت عبدالرزاق که نام او به صورت ناقص در سند ذکر شده است اقوال متضادی مشاهده می‌گردد برخی از رجال اهل سنت نیز هم نظر با ابن جوزی وی را جرح کرده و جزء کذابین برشمردند (ابن معین، ۱۳۹۹، ۱۰۸/۳؛ نسائی، ۱۴۰۷، ۲۲؛ عقیلی، ۱۴۰۴/۱۲۶؛ دارقطنی، ۱۴۰۴، ۲۵۲/۱) اما در مقابل سیوطی متعرض وی در موضوع دانستن این روایت نشده است. علی‌رغم آنکه فردی با نام احمد بن داوود ابن اخت عبدالرزاق را ذیل روایتی در کتاب الجهاد کذاب می‌داند (سیوطی، ۱۳۹۵، ۱۳۴/۲). ممکن است در وهله اول به نظر آید که این مطلب ناشی از اختلاف وی با ابن جوزی در نام ابن اخت عبدالرزاق باشد. اما با تفحص بیشتر مشخص می‌گردد که ابن جوزی نیز دو راوی را با کنیه ابن اخت عبدالرزاق با نام‌های احمد بن عبدالله و احمد بن داوود در کتاب خود ذکر می‌کند و فرد دوم را در کتاب السفر کذاب دانسته است (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۱۳۳/۲). در مقابل سیوطی در مورد جرح نفر اول مطلبی را بیان نداشته است و ذہبی نیز از افرادی است که نفر دوم؛ یعنی احمد بن داوود را تضعیف نموده است (ذہبی، ۱۴۱۶، ۹۷/۱). در نهایت توبه بن علوان تنها راوی است که سیوطی با توجه به گفته ذہبی وی را سبب وضع این حدیث می‌داند و از حدیث پژوهان پیش از ذہبی ابن حبان هم نظر به جرح این راوی دارد و بیان می‌کند که وی از اهل عراق و یمن روایاتی نقل می‌کند که باید گفت یا از احادیث ایشان نیست و یا با احادیث معتبر مخالف است (ابن حبان، ۱۳۹۳، ۲۰۵/۱).

۲،۱،۲ روایت تظلم‌خواهی حضرت فاطمه (س) با پیراهن خونی فرزندش در قیامت

ابن جوزی روایت تظلم‌خواهی حضرت فاطمه (س) را با پیراهن خونی فرزند مقتولش در روز قیامت را موضوع دانسته و سبب وضع روایت را ابن مهدی و ابن بسطام دانسته است (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۳۱۷/۱؛ ۱۴۰۶، ۸۱/۱). سیوطی درباره این حدیث با استناد به گفته ذهبی، علی بن مهدی را واضع می‌داند (سیوطی، ۱۳۹۵، ۴۰۱/۱). البته نام این راوی در زمره محدثان شیعه مشاهده می‌گردد. به گزارش شیخ طوسی علی بن مهدی صدقه رقی به واسطه پدرش از امام رضا (ع) نقل حدیث نموده است و نیز از وی ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات ذکر روایت نموده است (طوسی، ۱۴۲۷، ۳۸۱؛ آقابزرگ، ۱۴۰۳، ۳۵۱/۶) و نجاشی برای وی اثری از امام رضا (ع) با نام الحدیث برشمرده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ۲۷۷). در مورد دومین راوی مجروح سیوطی مدعی است که ذهبی در کتاب میزان الاعتدال متعرض جرح نشده است لذا وی را آفت وضع این روایت نمی‌داند (سیوطی، ۱۳۹۵، ۴۰۱/۱).

۲،۱،۳ روایت قراردادن اسب‌های با هیبت‌های خاص در آسمان برای دوستان

ابابکر و عمر

ابن جوزی در ادامه ذکر احادیث موضوعه درباره فضائل افراد به روایتی از پیامبر (ص) اشاره می‌کند: «وقتی که جبرئیل (ع) مرا به آسمان برد، در آسمان اسب‌هایی را دیدم که ایستاده، زین شده و لجام دار بودند. نه ادرار می‌کردند و نه عرق می‌کردند. سرهایشان از یاقوت سرخ بود، سم‌هایشان از زمرد سبز و بدن‌هایشان از عقاب‌های زرد با بال‌هایی بزرگ بود. گفته شد: این‌ها برای کیست؟ جبرئیل (ع) گفت: این‌ها برای دوستان ابوبکر و عمر است که در روز قیامت بر آن‌ها به دیدار خداوند عزوجل می‌روند». در مورد این روایت ابن جوزی از میان راویان سند ابوالقاسم ترمذی و جدش ابوبکر محمد بن عیدالله بن مرزوق را آفت وضع این حدیث می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۲۳۹/۱). آنچه که از عبارت سیوطی مشخص می‌شود وی با استناد به گفته ذهبی، ابن مرزوق را سبب موضوع بودن این روایت نمی‌داند. توضیح اینکه؛ ذهبی معتقد است وی با جهل به جعلی بودن روایت، ضعف درک نسبت به این روایت و بدون غرض عامدانه روایت را از راوی پیش از خود نقل نموده است (سیوطی، ۱۳۹۵، ۳۰۵/۱). چه این که خطیب بغدادی نیز اکثر روایات وی از عفان را صحیح دانسته و فقط این روایت را منکر دانسته است (بغدادی، ۱۴۱۷، ۵۶۹/۳). سیوطی در مورد راوی دیگر اظهارنظری نکرده است که خود نشان از پذیرش نظر ابن جوزی دارد.

۲،۲ تعدیل برخی از راویان مجروح

سیوطی در ادامه روند تصحیح و تنقیح موضوع بودن احادیث کتاب الموضوعات با استناد به منابع رجالی به‌ویژه میزان الاعتدال برخی از راویانی که ابن جوزی تضعیف کرده را تعدیل نموده است. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌گردد.

۲,۲,۱ روایت وضع حمل خانم باردار با دیدن حضرت یوسف (ع)

ابن جوزی روایتی را در کتاب مناقب در مورد یوسف (ع) نقل می‌کند: «اگر زن باردار یوسف (ع) را ببیند وضع حمل می‌کند» این جمله اشاره به جذابیت فوق‌العاده یوسف (ع) و زیبایی چهره وی دارد که تأثیر زیادی بر اطرافیان خود می‌گذاشت. وی سه تن از راویان این روایت را با نام‌های قاسم بن عبدالرحمن، جعفر بن زبیر و ابوالفضل انصاری آفات وضع به شمار آورده است. ابن جوزی برای این نظر به اقوال رجالیانی چون ابن معین (ابن معین، ۱۳۹۹، ۸۶/۲) و ابن حبان (ابن حبان، ۱۳۹۳، ۲۱۲/۲) تمسک نموده است (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۱۳۶/۱). در مورد قاسم بن عبدالرحمن دمشقی، از موالیان آل معاویه معروف به عبدالرحمن شامی اقوال متعددی مطرح شده است. از میان دانشمندان رجالی، ذهبی از جمله کسانی است که این شخصیت را ثقه می‌داند (ذهبی، ۱۴۱۶، ۳۷۳/۳). وی از قاسم بن عبدالرحمان با الفاظی از جمله محدث دمشق و امام یاد می‌کند (ذهبی، ۱۴۱۴، ۱۹۳/۵). وی را از جمله کسانی به شمار آمده که از قدما صحابه بسیار حدیث نقل کرده است و ۴۰ تن از صحابه غزوه بدر را درک نموده است (حافظ مزی، ۱۴۰۶، ۱۸۰/۲۱) از دیگر حدیث پژوهان معدل این راوی، عقیلی است که وی را صدوق دانسته است (عقیلی، ۱۴۰۴، ۴۷۶/۳)؛ بنابراین سیوطی با استناد به نظر ذهبی از میان سه آفتی که ابن جوزی نام برده است تنها قاسم بن عبدالرحمان را تعدیل نمود و در مورد آفات دیگر سخنی به میان نیاورده است که این سکوت حاکی از وضاع دانستن آنان است (سیوطی، ۱۳۹۵، ۱۶۳/۱).

۲,۲,۲ روایت عقوبت قاتل حسین بن علی (ع)

روایتی در بخش فضائل امام حسین (ع) از وحی خدا به پیامبر (ص) نقل شده است که تفاوت عقوبت قاتل یحیی بن زکریا (ع) و امام حسین (ع) را بیان می‌کند که انتقام فرزند زکریا را با هفتاد هزار نفر و انتقام حسین بن علی (ع) را با هفتاد هزار نفر خواهد گرفت. ابن جوزی محمد بن شداد و ابونعیم را آفت وضع این روایت برشمرده است. چرا که در عبارت ابن جوزی تعابیری چون: ضعیف جدا، لا یکتب حدیثه در مورد محمد بن شداد مسمعی آمده است. این دست تعابیر درباره راویانی به کار می‌رود که مورد تضعیف شدید قرار گرفته‌اند و یا جز یک نفر از آنان نقل نکرده و توثیق هم نشده‌اند. از دیگر سو طریق دیگری برای روایت ذکر شده است که در آن قاسم بن ابراهیم کوفی از ابونعیم این متن را نقل کرده است. در نهایت با استناد به گفته دارقطنی، برقانی و بغدادی دو راوی فوق‌الذکر را جرح نموده و آن‌ها را مسبب وضع حدیث می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۳۰۷/۱). محمد بن شداد مسمعی متکلم معتزلی و از مشایخ کبار ابوبکر شافعی و از علمای شافعی به شمار می‌آید (ذهبی، ۱۴۲۸، ۱۳۴/۲). نام دیگر وی ابو یعلی المسمعی است که به زرقان در میان راویان مشهور است (بغدادی، ۱۴۱۷، ۴۲۷/۲). به گزارش حاکم نیشابوری از ابوبکر شافعی، وی تنها راوی این حدیث از ابونعیم نیست؛ بلکه افرادی مانند: ابو محمد سبعی از عبدالله بن محمد بن ناجیه، حمید بن الربیع، حسن بن محمد بن یحیی العقیقی از جدش، محمد بن یزید آدمی از احمد بن محمد بن عمر و الاحماسی،

حسن بن حمید بن الربیع، الحسین بن عمرو عنقری، قاسم بن دینار از احمد بن کامل، یوسف بن سهل، قاسم بن اسماعیل از ابن کامل، عبدالله بن ابراهیم البذر، کثیر بن محمد ابو انس کسانی هستند که همگی از ابونعیم این متن را روایت کرده‌اند. هم چنین به گزارش ابن حجر، حاکم این روایت را در مستدرک با شش راوی و به دو طریق از ابونعیم روایت کرده است. این تعداد راوی حدیث حاکی از خروج روایت از حالت تفرد و افزایش میزان اعتبار سندی است. علاوه بر قرینه سندی، ذهبی روایت را بر مبنای مسلم صحیح می‌داند؛ لذا سیوطی این روایت را با استناد به ذهبی صحیح می‌داند و نقدی به راوی مجروح دیگر بیان نکرده است (سیوطی، ۱۳۹۵، ۳۹۱/۱).

۲،۲،۳ روایت جمع فضائل ابابکر و عمر

ابن جوزی در مورد روایتی که محبت ابابکر و عمر را سبب داخل شدن در بهشت می‌شود ابوبکر محمد بن عبدالله بن ابراهیم اشنانی را سبب وضع روایت می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۲۴۱/۱). بغدادی معتقد است وی چیزی از روایت و کیفیت نقل آن نمی‌دانست و با استناد به اساتید خود وی را واضع و جاعل حدیث برشمرده که این عمل را بر روی اسناد صحیح روایات انجام داده است (بغدادی، ۱۴۱۷، ۶۰/۳). برای این حدیث طریق دیگری وجود دارد که طبق آن اشنانی از سری بن مغلس نقل می‌کند و اشاره می‌کند که وی سال ۲۷۱ روایت را برایش نقل کرده است درحالی که خطیب بغدادی سال وفات سری بن مغلس را سال ۵۳ ذکر می‌کند. شایان ذکر است با مراجعه به کتاب خطیب بغدادی مشخص می‌گردد که سال وفات وی ۲۵۳ است که ابن جوزی به اشتباه آن را ۵۳ درج نموده است (همان/۵۹). البته ابن جوزی معتقد است از این حیث به موضوع بودن روایت خدش‌های وارد نمی‌شود؛ زیرا سال ۵۳ یا ۲۵۳ با مدعای اشنانی هماهنگی ندارد و طریق سوم از ابی هریره برای این روایت نقل می‌کند و آن را مجهول می‌داند. چرا که حدیث غریب است و راوی او تنها حسن بن مکی است که در میان منابع رجالی مجهول و ناشناخته است (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۲۴۱/۱).

در مقابل سیوطی مطلبی در مورد طریق اول و دوم روایت ذکر نمی‌کند. این در حالی است که در مورد اشنانی، ذهبی با استناد به دارقطنی (دارقطنی، ۱۴۰۴، ۳۵۴/۱) از واژه دجال^۳ که دلالت بر جرح دارد استفاده می‌کند (ذهبی، ۱۴۱۶، ۲۱۲/۶). اما برای طریق سوم با استناد به ذهبی محتوای روایت را باطل و سند آن را صحیح می‌داند. چرا که محمد بن اسحاق صفار نیز این روایت را مانند حسن بن مکی از ابن عیینه ذکر کرده است؛ لذا حدیث از تفرد خارج می‌شود و از واژه صدوق برای صفار استفاده می‌نماید که دلالت بر تعدیل وی دارد؛ بنابراین هر سه از نظر ابن جوزی موضوع اما طریق سوم روایت از نظر سیوطی با بهره‌گیری از ذهبی تنها از حیث سند صحیح است (سیوطی، ۱۳۹۵، ۳۰۶/۱). اما اینکه آیا روایت از نظر محتوا با معیارهای اعتبارسنجی مطابقت دارد یا خیر نیاز به پژوهش دیگری دارد.

۳. برای آشنایی بیشتر با مصطلحات حدیثی ر.ک: معارف، ۱۳۸۷، ۳۵۸.

۲,۳ تأیید نظر ابن جوزی در جرح راوی

سیوطی در برخی از موارد نیز باتوجه به گفته‌های ذهبی موافقت خود را با نظر ابن جوزی در موضوع دانستن روایات اعلام نموده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۲,۳,۱ روایت ملاقات پیامبر (ص) با الیاس (ع)

ابن جوزی برای موضوع بودن این روایت دو دلیل اقامه می‌کند: ۱- معضل سندی: دو تن از راویان در سلسله سند به نام‌های یزید موصلی تمیمی و ابواسحاق جرشی شناخته شده نیستند. ۲- معضل محتوایی: با استناد به روایتی که از بخاری نقل شده است زنده ماندن پیامبرانی چون خضر و الیاس را غیر ممکن می‌داند. از بخاری نقل شده است که پیامبر (ص) فرمود: «هیچ کس بر روی زمین در پایان صد سال باقی نخواهد ماند» (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۱۴۲/۱؛ ابن حبان، ۱۴۱۴، ۱۱۱/۱۴). از آنجا که پژوهش در مورد بررسی منابع رجالی است و پاسخ به اشکال محتوایی خارج از موضوع پژوهش می‌باشد تنها به بررسی معضل سندی پرداخته خواهد شد اما خاطر نشان می‌شود علی‌رغم این که نظر مزبور مربوط به منظومه تفکری و حدیثی اهل سنت می‌باشد اما در برخی از منابع تاریخ و حدیثی اهل سنت روایات موید این محتوا مشاهده می‌گردد. ابن حجر عسقلانی برخی از این مستندات را ذیل نام الجرشی ذکر نموده است (ابن حجر، ۱۴۱۵، ۲/۲۶۴).

در مورد اولین راوی مجروح بررسی‌ها نشان می‌دهد غیر از ابن عساکر که با استناد به بیهقی مدعی است نام دیگر وی یزید العلوی است (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۲۱۲/۹)، در میزان الاعتدال (ذهبی، ۱۴۱۶، ۷/۲۶۴) و از میان منابع متأخر لسان المیزان (ابن حجر، ۱۴۱۵، ۶/۲۹۵) در میان مصادر رجالی نامی از این راوی یافت نشد. اگر این راوی شناخته شده نیست چطور ذهبی بدون آن که دلیل و یا حتی منبع تضعیف را ذکر کند راوی را جرح نموده است؟ این مطلبی است که قابل تأمل و محل اشکال است! اما در مورد راوی دوم باید گفت باتوجه به اینکه در سلسله سند ابواسحاق جرشی ذکر شده است و ذیل همین عنوان ذهبی در کتاب تاریخ الاسلام خویش به نهایت وی را تعدیل نموده است (ذهبی، ۱۴۰۹، ۴۱/۱۴) اما در میزان الاعتدال از او به عنوان ابواسحاق فزاری نام می‌برد؛ بنابراین ظاهراً وی، بین این دو نفر تفاوت قائل است و بدون ذکر دلیل و منبع، حدیث فزاری را باطل می‌پندارد. در حالی که ذهبی خود در همین کتاب با استناد به بزرگان رجالی اهل سنت مانند ابوحاتم و نسائی که وی را ثقه و ایمن از خطاء می‌داند (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱، ۲/۱۲۸). از سوی دیگر حاکم این روایت را با سندی متفاوت اما مشتمل بر نام این دو راوی (یزید بن یزید البلوی و ابواسحاق فزاری) ذکر نموده و آن را صحیح می‌داند (سیوطی، ۱۳۹۵، ۱۷۰/۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵، ۵/۱۲۳). ذهبی بدون ذکر دلیل این روایت را در مستدرک موضوع می‌داند و صحیح دانستن این روایت را از سر جهالت حاکم می‌داند (سیوطی، ۱۳۹۵، ۱۷۰/۱)؛ لذا در مورد این راوی سیوطی با بهره‌گیری از ذهبی نظر ابن جوزی را تأیید نموده است.

بر فرض این که نام راوی ابواسحاق فراری هم باشد وی کتابی به نام السیر تألیف نموده است که از جمله منابع اولیه در موضوع مغازی و سیر و جهاد است، و به روایت مذکور در آن منبع اشاره نموده است (فزازی، ۱۴۰۸، ۳۲۸)؛ بنابراین در هر صورت چه نام راوی ابواسحاق الجرشلی و چه ابواسحاق الفزاری دانسته شود در مورد وی الفاظ مدح وجود دارد؛ لذا این تشابه اسمی در هر صورت موجب ضعف حدیث نمی‌شود.

۲,۳,۲ روایت نقش انگشتر سلیمان (ع)

ذکر نقش انگشتر سلیمان نبی (ع) به نقل روایتی از پیامبر (ص) شهادتین دانسته شده است و شیخ بن ابی خالد الصوفی بصری متهم به وضع این روایت شناخته شده است. در این زمینه ابن جوزی به نظر ابن عدی و ابن حبان بسنده می‌کند (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۱/۱۴۳). در مقابل سیوطی علاوه بر ابن عدی (ابن عدی، ۱۴۰۹، ۴/۴۷)، با توجه به نظرات عقیلی (عقیلی، ۱۴۰۴، ۲/۱۹۷) و ذهبی (ذهبی، ۱۴۱۶، ۳/۳۹۳) این روایت را موضوع دانسته است (سیوطی، ۱۳۹۵، ۱/۱۷۱). البته شایان ذکر است سیوطی درباره این روایت طریق دیگری از طبرانی نقل کرده است: «نگین انگشتر سلیمان بن داوود (ع) از آسمان نازل شد و نقش آن چنین بود: من خدایی هستم که معبودی جز من نیست، محمد (ص) بنده و فرستاده من است» اما در مورد این طریق اظهارنظری ننموده است (سیوطی، ۱۳۹۵، ۱/۱۷۱).

۲,۳,۳ روایت ذکر انتقال پیامبر (ص) به اصلاّب انبیا (ع)

ابن جوزی برای موضوع بودن این حدیث دو آفت معرفی می‌نماید؛ ۱- آفت قطعی: هناد بن ابراهیم ۲- آفت احتمالی: الف) شیخ هناد: علی بن محمد بکران (ب) شیخ شیخ هناد: خلف بن محمد بن اسماعیل (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۱/۲۰۸). سیوطی بر طبق نظر ذهبی (ذهبی، ۱۴۱۶، ۵/۱۸۹) این خبر را باطل می‌داند و آفت وضع را شیخ هناد و شیخ شیخ وی می‌داند و متعرض شخص هناد برای وضع این حدیث نمی‌شود؛ لذا مشخص می‌گردد آفات احتمالی ابن جوزی برای وضع این حدیث از نظر سیوطی به عنوان سبب قطعی وضع معرفی گردیده است و در این زمینه با ابن جوزی هم نظر است (سیوطی، ۱۳۹۵، ۱/۲۵۶).

برای هناد بن ابراهیم النسفی مشایخ حدیثی در بغداد به نام‌های ابوالحسین بن بشران، ابن الفضل القطان و در بصره قاضی ابو عمر بن عبدالوحد هاشمی، ابوالحسن بن النجاد در نیشابور ابو عبدالرحمن السلمی و در بخاری اباعبدالله الغنجر ذکر شده است (بغدادی، ۱۴۱۷، ۱۴/۹۹). خطیب بغدادی روایتی در مورد علم و عمل نقل می‌کند که در سند آن نام هناد بن ابراهیم النسفی به چشم می‌خورد (بغدادی، ۱۴۰۴، ۳۷۵). بررسی عمده منابع رجالی اهل سنت مطلبی را در ذم این راوی نشان نمی‌دهد. در نتیجه وی در دسته راویان مجهول قرار می‌گیرد و از ناحیه وی موجبات وضع حدیث فراهم نمی‌گردد و روایت در زمره احادیث قوی قرار می‌گیرد؛ لذا باید افراد دیگری که از سوی ابن جوزی و یا ذهبی آفت وضع این حدیث شناخته شده‌اند، مورد بررسی قرار گیرند. علی بن محمد بکران که به عنوان آفت احتمالی وضع این روایت معرفی شده است در دسته راویان

مهمل قرار دارد و در مورد خلف بن محمد بن اسماعیل الفاضلی مانند شیخ محدث بزرگ (ذهبی، ۱۴۱۴، ۷۰/۱۶) کثیر الحدیث و حافظ حدیث (ذهبی، ۱۴۰۹، ۲۸۰/۲۶) ذکر شده است؛ اما با بررسی بیشتر مشخص می‌گردد این تعبیر بسته به نوع تعامل وی با احادیث بوده است و این کثرت روایات از سر تحقیق نبوده است چرا که سمعانی معتقد است وی بدون تحقیق حدیث را نقل می‌کرد (سمعانی، ۱۴۱۹، ۴۸۹/۲). در این صورت می‌توان گفت حتی احتمال دارد بدون شناخت راوی از وی نقل روایت نموده است. در نتیجه با توجه به مجهول بودن و مهمل بودن دو تن از راویان به نظر می‌رسد سبب وضع حدیث از ناحیه وی است.

۲،۴ جرح راوی دیگری غیر از راوی مجروح از نظر ابن جوزی

سیوطی در موضوع دانستن برخی از روایات با ابن جوزی موافق است؛ اما آفت وضع روایت را غیر از راوی مورد جرح ابن جوزی می‌داند.

۲،۴،۱ روایت فضیلت خلفا سه گانه

ابن جوزی در ادامه بررسی احادیث موضوعه در باب فضائل صحابه روایتی نقل می‌کند که بر روی برگ تمام درختان در بهشت نام پیامبر (ص) به همراه ابابکر، عمر و عثمان حک شده است. وی هنگام بررسی این روایت متذکر چند نکته می‌شود: ۱- نام الاحتیاطی را حسن می‌داند. ۲- از قول ابن حبان (ابن حبان، ۱۴۰۲، ۱۱۶/۲) و ابن عدی (ابن عدی، ۱۴۰۹، ۲۱۵/۵) علی بن جمیل را واضع این روایت معرفی می‌کند که بواسطیل بسیاری از ثقات نقل کرده است. ۳- بر طبق نظر ابن عدی، احتمال می‌دهد فردی به نام معروف بن ابی معروف بلخی عامل جعل حدیث باشد (همان). ۴- طریق دیگری برای روایت بیان می‌کند که آن را هم نمی‌پذیرد. (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۲۵۱/۱).

در مقابل سیوطی نسبت به طریق دومی که ابن جوزی آورده با استناد به گفته ذهبی آفت وضع حدیث را عبدالعزیز می‌داند و در مرحله بعد خود طریق دیگری به نقل از خطیب بغدادی برای این روایت بیان می‌کند و مجدداً با استناد به ذهبی آن را باطل می‌داند و آفت وضع حدیث را حسین الاحتیاطی می‌داند. با مقایسه نظرات ابن جوزی و سیوطی در طرق نقل شده مشخص می‌گردد: اولاً؛ نسبت به طریق اول ابن جوزی، سیوطی متعرض وضع نمی‌باشد؛ اما با استناد به ذهبی نسبت به نام کوچک الاحتیاطی نظر دیگری دارد. چرا که ابن جوزی او را حسن و ذهبی آن را حسین معرفی می‌کند. استناد قول ذهبی برای این نام به نظر خطیب بغدادی و مروزی است. ذهبی از عبارات قیل یا قال بعضهم برای نام حسن استفاده کرده است که نشان می‌دهد به نظر وی نام الاحتیاطی حسین است (ذهبی، ۱۴۰۱۶، ۵۳۹/۱) ثانیاً؛ نسبت به طریق دوم ابن جوزی متعرض وضع می‌شود و فردی به نام عبدالعزیز بن عمرو خراسانی را آفت وضع حدیث می‌داند (سیوطی، ۱۳۹۵، ۳۱۹/۱). در مورد علی بن جمیل بررسی‌ها نشان می‌دهد وی با سه واسطه از پیامبر (ص) روایت نقل می‌کند: ۱- عبدالله بن عباس ۲- مجاهد بن جبر المکی ۳- لیث بن ابی سلیم زنییم. نام وی در سند روایتی در مجلس ۷۴ در کتاب

امالی صدوق ذکر شده است (صدوق، ۱۳۷۶، ۴۹۳). در منابع رجالی شیعه مطلبی در مورد وی ذکر نشده است و تنها در میان اهل سنت تضعیف شده است. شایان ذکر است اگر محدث شیعی مانند صدوق روایتی آورده است که در سند آن وی حضور دارد حاکی از آن است که محتوای نقل شده از ناحیه وی از نظر صدوق معتبر است. در مورد آفت احتمالی وضع این حدیث معروف بن ابی معروف بلخی ابن حبان در کتاب الثقات پسوند وی را موصلی ذکر کرده است (ابن حبان، ۱۳۹۳، ۵۰۰/۷). اغلب منابع رجالی تنها به ذکر متن روایت و گفته ابن حبان برای جرح وی اکتفاء کردند و دلیل و مؤید دیگری ذکر نکرده‌اند.

۲،۴،۲ روایت عبادت بودن نظر به وجه علی بن ابی طالب (ع)

ابن جوزی آفت وضع حدیث را محمد بن ایوب می‌داند و با توجه به قول ابن حبان او را تضعیف نموده است (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۲۷۱/۱). اما سیوطی با توجه به گفته ذهبی محمد بن اسماعیل رازی را متهم به وضع این روایت می‌داند و معتقد است محمد بن ایوب این دو تن هوذه و ابن جریج را درک نکرده‌اند (سیوطی، ۱۳۹۵، ۳۴۴/۱). محمد بن اسماعیل رازی کسی است که خطیب بغدادی در تاریخ بغداد ذیل حدیث «ما نزع الرحمة إلا من شقی» وی را تضعیف نموده است (بغدادی، ۱۴۱۷، ۵۰/۲) و ابن خلدون به این مطلب از بغدادی اشاره نموده است (ابن خلدون، بی تا، ۱۸۴/۱). در مورد راوی که سیوطی جرح نموده است جای تعجب است که اشاره شود خود سیوطی وی را محدثی حافظ دانسته است (سیوطی، ۱۴۰۳، ۲۸۷/۱) و در برخی منابع رجالی وی را ثقة دانسته‌اند (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱، ۱۹۸/۷؛ ابن حبان، ۱۳۹۳، ۱۵۲/۹؛ ذهبی، ۱۴۱۴، ۴۴۹/۱۳). برای وی کتابی با نام تفسیر القرآن و فضائل القرآن ذکر شده است (ذهبی، ۱۴۲۸، ۱۶۰/۲). با توجه به اینکه در گفته‌های ذهبی و سیوطی در مورد این راوی تناقض مشاهده می‌گردد؛ لذا به نظر می‌رسد وضع حدیث از ناحیه وی نمی‌باشد.

۲،۴،۳ روایت مرکب سواران در روز قیامت

ابن جوزی در مورد روایتی که مرکب سواران در روز را چهار نفر عبارت‌اند از: پیامبر (ص)، صالح (ع)، حمزه بن عبدالمطلب (ع) و علی بن ابی طالب (ع) معرفی می‌کند، عبدالله بن لهیعه را آفت وضع می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۲۹۶/۱) و به گفته بغدادی (بغدادی، ۱۴۱۷، ۱۱۴/۱۱) تمسک نموده و عین عبارت او را ذیل نام عبدالجبار بن احمد می‌آورد بدون این که نام خطیب را ذکر کند و نیز از ابن معین نقل می‌کند که وی در حدیث تدلیس صورت می‌داده است (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۲۹۶/۱). اما سیوطی با استناد به ذهبی، عبدالجبار بن احمد را سبب وضع روایت می‌داند (سیوطی، ۱۳۹۵، ۳۷۶/۱).

عبدالله بن لهیعه منصب قضاوت را در مصر بر عهده داشت (بخاری، ۱۴۰۶، ۶۸). بررسی منابع رجالی اهل سنت نشان می‌دهد که نظرات متضادی مبتنی بر جرح و تعدیل در مورد عبدالله بن لهیعه وجود دارد. از جمله او را فردی ضعیف الحدیث دانسته‌اند که نزدش احادیث منکر زیادی وجود دارد. چرا که به گواه تاریخ بر او حدیث‌هایی می‌خواندند که از آن او نبود و او در این مورد سکوت می‌کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۳۵۸/۷) در مقابل عقلی معتقد

است که وی صدوق است و جرحی که نسبت به عملکرد وی از سوی رجالیان اهل سنت صورت گرفته مربوط به دوران پس از آتش گرفتن کتب و آثار وی و عدم پشتوانه لازم برای ضبط احادیث بوده است (عقیلی، ۱۴۰۴، ۲/۲۹۳). در مورد راوی دیگر عبدالجبار بن احمد باید گفت که جرح وی تنها از ناحیه ذهبی صورت گرفته است و مستندی را به عنوان مؤید نظر خود از منابع رجالی متقدم ذکر نکرده است و دانشمندان رجالی دیگر نیز مطلبی را درباره این راوی عنوان نکرده‌اند؛ بنابراین به نظر می‌رسد تنها در مورد راوی اول باید بر اساس مبانی رجالی روایت را موضوع یا غیر موضوع دانست چرا که در مورد جرح راوی دوم یک نظر ثبت شده است؛ لذا باتوجه به این که ذهبی متأخر از عقیلی است و وی تنها راوی دوم را مجروح دانسته است بدیهی است که نمی‌توان تنها به گفته یک دانشمند رجالی متأخر در مورد جرح یک راوی استناد کرد.

۸ نتیجه‌گیری

یکی از طرق در وضع‌شناسی احادیث بررسی سندی آن‌ها است. سیوطی در تدوین کتاب اللئالی المصنوعة از منابع رجالی اصیل مانند الضعفاء عقیلی، الضعفاء و المتروکین نسائی، الکامل فی ضعفاء الرجال ابن عدی و... برای این مهم بهره برده است. بررسی تطبیقی دو اثر الموضوعات و اللئالی المصنوعة نشان داد که سیوطی به طور گسترده‌ای از نظرات ذهبی در کتاب میزان الاعتدال در تشخیص احادیث موضوعه بهره برده است و در بسیاری از موارد، دیدگاه‌های وی را در جرح و تعدیل راویان پذیرفته است. بهره‌گیری سیوطی از نظرات ذهبی در سه باب فضائل انبیا (ع)، فضائل اهل بیت (ع) و فضائل خلفا از نظر سندی مورد بررسی قرار گرفت. در برخی موارد، سیوطی با استناد به نظرات ذهبی، راویانی که ابن جوزی واضح دانسته بود، را تقلیل داده است. با بررسی روایات سه باب مشخص گردید سیوطی برخلاف ابن جوزی، برخی راویان را که ذهبی تعدیل کرده بود، از اتهام جعل حدیث مبرا دانسته و در نتیجه، دایره وضع حدیث را محدودتر کرده است. بررسی اثر سیوطی مشخص می‌کند این اثرپذیری گاهی در راستای تأیید نظرات ابن جوزی است و در موارد متعددی، سیوطی به طور کامل از ذهبی تبعیت کرده و همان افرادی را که ذهبی متهم به جعل حدیث کرده بود، به عنوان آفت وضع حدیث معرفی نموده است. سیوطی در برخی از روایات با نظر ابن جوزی در موضوع بودن موافقت خود را اعلام می‌دارد؛ اما سبب وضع روایت را از ناحیه راوی دیگر می‌داند. از آنجا که سیوطی عمدتاً به نقد سندی پرداخته، بررسی میزان تطابق این نقدها با تحلیل‌های فقه الحدیثی می‌تواند به عنوان پژوهش دیگری نتایج ارزشمندی به همراه داشته باشد. همچنین مطالعه تأثیر این کتاب بر دیگر دانشمندان حدیث می‌تواند به فهم بهتر جایگاه ذهبی در نقد حدیث کمک کند.

٩ منابع

١. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت: دارالأضواء، ١٤٠٣هـ.ق، چاپ سوم.
٢. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، الجرح و التعديل، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیه، ١٣٧١هـ.ق، چاپ اول.
٣. ابن بابویه، محمد علی، الامالی، تهران: کتابچی، ١٣٧٦هـ.ش، چاپ ششم.
٤. ابن حبان، محمد بن حبان، صحیح، بیروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٤هـ.ق، چاپ دوم.
٥. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٥هـ.ق، چاپ اول.
٦. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ١٤٠٦هـ.ق، چاپ سوم.
٧. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، زوائد تاریخ البغداد علی کتب الستة، دمشق: دارالقلم، بی تا.
٨. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، محقق: عطاء، محمد عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٠هـ.ق، چاپ اول.
٩. ابن عدی، عبدالله بن عدی، الکامل فی ضعفاء الرجال، مصحح: غزاوی، یحیی مختار، بیروت: دارالفکر، ١٤٠٩هـ.ق، چاپ سوم.
١٠. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر، ١٤١٥هـ.ق، چاپ اول.
١١. ابن معین، یحیی بن معین، التاریخ، مصحح: نورسیف، احمد محمد، مکه: مرکز البحث العلمی و احیاء التراث الاسلامی، ١٣٩٩هـ.ق، چاپ اول.
١٢. ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، تهران: کتابچی، ١٣٧٦هـ.ش، چاپ ششم.
١٣. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، الضعفاء و المتروکین، محقق: قاضی، ابوالفداء عبدالله، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤٠٦هـ.ق، چاپ اول.
١٤. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، الموضوعات، محقق: حمدان، توفیق، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٥هـ.ق، چاپ اول.
١٥. ابن حبان، محمد بن حبان، الثقات، محقق: زهران، حسین ابراهیم، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه، ١٣٩٣هـ.ق، چاپ اول.

١٦. ابن حبان، محمد بن حبان، المجروحين من المحدثين والضعفاء والمتروكين، محقق: زايد، محمد ابراهيم، حلب: دارالسوعي، ١٤٠٢هـ.ق، چاپ دوم.
١٧. بخارى، محمد بن اسماعيل، الضعفاء الصغير، مصحح: زايد، محمود ابراهيم، بيروت: دارالمعرفه، ١٤٠٦هـ.ق، چاپ اول.
١٨. حافظ مزى، يوسف بن عبدالرحمن، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، بيروت: مؤسسه الرساله، ١٤٠٦هـ.ق، چاپ چهارم.
١٩. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، بيروت: دارالتأصيل، ١٤٣٥هـ.ق، چاپ اول.
٢٠. حموى، ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٩٩٥م، چاپ دوم.
٢١. خطيب بغدادى، احمد بن على، إقتضاء العلم العمل، محقق: البانى، محمد ناصر الدين، بيروت: المكتب الاسلامى، ١٤٠٤هـ.ق، چاپ پنجم.
٢٢. خطيب بغدادى، احمد بن على، تاريخ بغداد، محقق: عطا، مصطفى عبدالقادر، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٧هـ.ق، چاپ اول.
٢٣. خورشيد، ابراهيم زكى، «السيوطى»، دايره المعارف الاسلاميه، تهران، جهان، بى تا.
٢٤. دارقطنى، على بن عمر، الضعفاء و المتروكون، مصحح: ابن عبدالقادر، موفق بن عبدالله، رياض: مكتبه المعارف، ١٤٠٤هـ.ق، چاپ اول.
٢٥. ذهبى، محمد بن احمد، العبر فى خبر من غبر، محقق: زغلول، ابوهاجر محمدسعيد، بيروت: دارالكتب العلميه، بى تا، چاپ اول.
٢٦. ذهبى، محمد بن احمد، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، محقق: تدمرى، عمر عبدالسلام، بيروت: دارالكتاب العربى، ١٤٠٩هـ.ق، چاپ دوم.
٢٧. ذهبى، محمد بن احمد، تذکره الحفاظ، محقق: عميرات، زكريا، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤٢٨هـ.ق، چاپ دوم.
٢٨. ذهبى، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، بيروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٤هـ.ق، چاپ دهم.
٢٩. ذهبى، محمد بن احمد، ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٦هـ.ق، چاپ اول.
٣٠. زرکلى، خيرالدين، الاعلام، بيروت: دارالعلم للملايين، ١٩٩٠م.
٣١. سمعانى، عبدالکريم بن محمد، الأنساب، محشى: عطا، محمد عبدالقادر، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٩هـ.ق، چاپ اول.

۳۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، التحدث بنعمه الله، بیروت: المكتبة العصریه، ۱۴۲۳هـ.ق.
۳۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، اللئالی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۵هـ.ق، چاپ دوم.
۳۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، طبقات الحفاظ، مصحح: عبدالقادر، محمدعلی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳هـ.ق، چاپ اول.
۳۵. صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، محقق: ریتز، هلموت، بیروت: دارالنشر، ۱۳۸۱هـ.ق، چاپ دوم.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، رجال، محقق: قیومی اصفهانی، جواد، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۷هـ.ق، چاپ سوم.
۳۷. عقیلی، محمد بن عمرو، الضعفاء الکبیر، مصحح: قلعجی، عبدالمعطی امین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴هـ.ق، چاپ اول.
۳۸. فزاری، ابی اسحاق، السیر، محقق: حماده، فاروق، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۸هـ.ق، چاپ اول.
۳۹. معارف، مجید، مباحثی در تاریخ حدیث، تهران: نیا، ۱۳۸۷هـ.ش، چاپ دوم.
۴۰. نجاشی، احمد بن علی، رجال، محقق: شبیری زنجانی، موسی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۵هـ.ق، چاپ اول.
۴۱. نسائی، احمد بن علی، مصحح: حوت، کمال یوسف، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۰۷هـ.ق، چاپ دوم.